

بسیاری از دبیران جغرافیا و مخاطبان مجله با روش‌های فعال آموزش جغرافیا آشنایی دارند. دبیر/استاد در این روش‌ها دانش‌آموزان و دانشجویان را درگیر آموزش جغرافیا می‌کند و به عبارتی، مخاطبان در تولید محتوای آموزشی و یادگیری موضوع موردبحث در کلاس خود، فعالانه مشارکت می‌کنند و گاه در این زمینه آن‌چنان پیش می‌روند که از حد محتوای کتاب درسی و توان دبیر/استاد فراتر می‌روند. برای روش‌های آموزش فعال جغرافیا حدود چهارده روش گوناگون را برشمرده‌اند که انتخاب این روش‌ها به موضوع موردبحث در کلاس، توانایی دبیر/استاد، استقبال و زمینه‌های ذهنی و مهارتی دانش‌آموزان/دانشجویان و زمان کلاس بستگی دارد. یکی از این روش‌های ارزشمند که به پایداری بیشتر آموخته‌ها به مخاطبان کمک می‌کند و محتوای غنی برای یک جلسه کلاس درس فراهم می‌آورد، روش حل مسئله است. البته باید یادآور شوم که مسئله با مشکل تفاوت دارد. مشکل در واقع ساده‌تر از مسئله است و شاید شناخت مسئله خیلی به حل مشکل کمک کند، اما شناخت مسئله دشوار است و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. مشکل را می‌توان به راحتی و با شناخت عمومی از عوامل تشکیل‌دهنده آن بازشناخت و آن را از این طریق حل کرد، اما مسئله به راحتی شناخته نمی‌شود. از این جهت معمولاً بخشی از اسناد علمی به بیان مسئله و توضیح و تشریح آن اختصاص دارد. مسئله با روش علمی و با ارائه پرسش‌هایی درباره آن و پاسخ‌های احتمالی به این پرسش‌ها حل می‌شود. پاسخ‌های داده‌شده به پرسش‌های دقیق مطرح‌شده را «فرضیه» می‌نامند. در جغرافیا موضوع‌های گوناگونی مطرح می‌شوند که حالت مسئله دارند نه مشکل. برای مثال، خشک‌سالی، پایداری محیطی، بحران آب و بیابان‌زایی که در دو دهه گذشته به شکل مسئله مطرح شده‌اند و برای حل آن‌ها ابتدا

دکتر سیاوش شایان

آموزش جغرافیا با روش حل مسئله

پرسش‌هایی دقیق و مطالعه‌شده و سپس فرضیه‌هایی با مطالعه همه جوانب پرسش‌ها و با توجه به ابعاد مسئله مطرح می‌شوند و این فرضیه‌ها به کمک آزمون‌هایی کمی یا کیفی موردبحث قرار می‌گیرند تا درستی یا نادرستی آن‌ها مشخص شود. بنابراین، پاسخ‌گویی به مسئله با روش علمی و منطق علم انجام می‌گیرد، حال آنکه مشکل از طریق بررسی عوامل تشکیل‌دهنده آن به بحث گذاشته می‌شود و با بازشدن گره‌های تشکیل‌دهنده آن به راه‌حل مشکل می‌رسیم. پاسخ به مشکل ساده‌تر از پاسخ به مسئله است و ممکن است زودتر به آن دست یابیم، اما پاسخ به مسئله فرایندی طولانی دارد و گاه فرضیه‌هایی که مورد تأیید چندجانبه قرار می‌گیرند به مشکلی در فرایند پاسخ به مسئله تبدیل می‌شوند. بیابان‌زایی یکی از مباحثی است که طی دو سه دهه اخیر در بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه مطرح شده است و آن را یک مسئله دانسته‌اند نه مشکل. بیابان‌زایی از مباحث کتاب‌های درسی دوره متوسطه است که می‌تواند از طریق حل مسئله در کلاس درس به‌وسیله دبیر /استاد مطرح شود و با مشارکت دانش‌آموزان/دانشجویان برای حل آن پرسش‌ها، فرضیه‌ها و آزمون‌هایی انجام می‌گیرد و در نهایت به ارائه پیشنهادهایی برای درک آن و گشودن گره‌های ایجادشده در آن می‌انجامد. دبیر /استاد ابتدا برای مطرح کردن بیابان‌زایی تعریف‌های مختلف آن را از نظر اقلیمی، آب‌شناسی، زیستی، کشاورزی و خاک‌شناسی، زمین‌ریخت‌شناسی و ... عرضه می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد که تفاوت این تعریف‌ها را با یکدیگر بیاموزند و بیان کنند و از میان آن‌ها یکی را برای بحث بیشتر درباره آن برگزینند. سپس عناصر تشکیل‌دهنده مسئله با توجه به تعریف مشخص می‌شوند و برای آن‌ها مدارکی چون مستندهای آماری، ویژگی‌های بصری (تصویری)، اسناد و مدارک نوشته‌شده یا توجیه‌های جهانی از سوی دبیر یا دانش‌آموزان ارائه می‌شود. آنگاه دانش‌آموزان به کمک دبیر پرسش‌هایی آگاهانه و دقیق را درباره چگونگی غلبه بر بیابان‌زایی مطرح می‌کنند و سپس پاسخ‌های اولیه را برای پرسش‌های خود ارائه می‌دهند که در منطق علمی به آن‌ها پیش‌فرض یا فرضیه می‌گویند. ارائه مدارک آماری، کیفی، راه‌حل‌ها و شواهد به بحث گذاشته و در تابلوی کلاس درج می‌شوند و آنگاه بهترین و مستدل‌ترین پاسخ‌ها را در خصوص فرضیه‌های مطرح‌شده برمی‌گزینند و با این روش علمی برای بیابان‌زایی راه‌حل‌ها و پیشنهادهایی از سوی دانش‌آموزان و بررسی دقیق دبیران با تجربه جغرافیا ارائه خواهد شد.

از این‌رو، روش حل مسئله را یکی از روش‌های فعال آموزش جغرافیا برشمرده‌اند و مسلماً دبیران ارجمند و با تجربه جغرافیا تاکنون چندین بار در کلاس‌های درس خود از این روش بهره گرفته‌اند.